

ش مرگ



نگاهی به مرگ داشت؟

یکی از دلایل شاد بودن انصاریان همین نگاه او نسبت به مرگ و زندگی بود. با وجود آن که او هم مثل همه افراد دیگر شاید غم و غصه‌ها و از دست دادن‌هایی را در زندگی خود داشته، اما همیشه شاد بود.

یکی از دلایل همراهی او با این فیلم نیز همین نگاه مشترک ما نسبت به مرگ بود. علی مرگ را هم خیلی ساده می‌دید و هم خیلی نزدیک. او با نقش آفرینی در خشانی که در نقش مجید این قصه داشت، نشان داد که حتی با مرگ هم می‌توان شوخی کرد.

علی غم سنگینی برای از دست دادن پدرش در دل داشت و همیشه نگران از دست دادن مادرش بود و این ترسی بود که همیشه همراه او بود. آرزو داشت قبل از مادرش از دنیا برود و گویی خداوند به ندای دل او پاسخ داد.

از اکران این فیلم در گروه هنر و تجربه با توجه به مخاطب کمتر این آثار راضی هستید؟

فیلم‌هایی که برای مخاطب ویژه‌تر ساخته می‌شود برای پخش و اکران در گروه‌های دیگر سینمایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فیلمی که از اساس به شکل هنری و تجربی ساخته می‌شود و کارگردان تجربه‌های زیستی و مطالعاتی‌اش را در قالب فیلم و در یک بستر هنری ارائه می‌کند ذائقه مخاطب آن هم هنر و تجربه‌ای است و بهتر است در این گروه اکران شود.

در گروه هنر و تجربه همان طور که دوستان تلاش می‌کنند با حمایت اندکی از سوی سازمان سینمایی و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی همراه است و چنین فیلم‌هایی در این گروه بهتر می‌توانند عرضه شوند. اما به لحاظ تبلیغاتی در رسانه‌ها و فضای مجازی به این فیلم‌ها پرداخته نمی‌شود.

نه فقط فیلم من بلکه ممکن است فیلم‌های ارزشمندتری هم در این گروه باشد اما آن طور که شایسته است مورد توجه قرار نمی‌گیرند. نگاه غلطی نسبت به این فیلم‌ها وجود دارد که تصور می‌شود اگر فیلمی در این گروه اکران می‌شود، از سر ناچاری بوده است. در حالی که فیلم‌های گروه هنر و تجربه فیلترهای خاص خود را دارند و بسیاری از فیلم‌ها نیز امکان ورود به این گروه را ندارند. نمی‌دانم این کج سلیقگی و نهاد کج از کجا بنیان گذاشته شده است ولی باید این نگاه غلط اصلاح شود و توجه ما را روی فیلم و کیفیت آن متمرکز کنیم نه گروهی که آن را عرضه می‌کند تا شاهد اتفاقات بهتری در گروه هنر و تجربه باشیم.

همچنین ما در زمینه فیلم‌های مستقل با رویکرد هنر و تجربه همچنان خلاهایی را داریم که گاهی عمیق‌تر هم می‌شود.

من فیلمساز دغدغه‌مند مسائلی مهمی را در قالب فیلم مطرح می‌کنم که می‌تواند دیدگاه مردم را نسبت به زندگی تحت تأثیر قرار بدهد اما برای دیده شدن این فیلم‌ها هیچ حمایتی صورت نمی‌گیرد. به طور مثال با نمایش دانشگاهی، انجام کارهای پژوهشی و فراهم کردن موقعیت‌هایی برای بحث و بررسی درباره این مسائل فارغ از کیفیتی که فیلم دارد می‌توان از این آثار حمایت کرد.

برای فیلم‌های بعدی هم با همین رویکرد و برای گروه هنر و تجربه فیلم خواهید ساخت؟

من به عنوان یک فیلمساز مستقل تاکنون سه فیلم مستقل را تهیه و کارگردانی کرده‌ام و اگر بعد از این حمایت و همراهی نبینم دیگر فیلم نخواهم ساخت.

شاید این اهمیتی نداشته باشد اما وقتی این فیلمسازان خسته از شرایط، تکثیر شوند آن گاه شاهد اتفاق خوبی در سینمای اندیشه محور نخواهیم بود.

در سینمای دیگر کشورهای توسعه یافته دنیا چگونه به فیلم‌های هنری و تجربی نگاه می‌کنند و این آثار چه جایگاهی در سینمای آنها دارد؟

در سینمای دیگر کشورها نگاه ارزشمندتری نسبت به سینمای التارناتیو و هنر و تجربه هست. هنر، واژه تأثیرگذار و مهمی است که وقتی در کنار واژه تجربه قرار می‌گیرد عنوان جذابی می‌شود و زمانی که فیلمی هم هنر و هم تجربه را در بر می‌گیرد، باید یک فیلم دیدنی باشد و همه ما به دنبال تجربه همدیگر هستیم. در سینمای هنر و تجربه دنیا فیلمسازی چون نولان ساخته می‌شود که فیلمش به اسم او ارزش داده است. این نگاه بین‌المللی به فیلم‌های هنر و تجربه باید در ایران نیز فرهنگسازی شود.

نمایش این فیلم در جشنواره‌های خارجی و برای مخاطبان خارجی چگونه بود و چقدر با آن ارتباط برقرار کردند؟

خیلی ارتباط خوبی برقرار کردند. در دو نمایش این فیلم که در فستیوال داکا در بنگلادش و در از میر ترکیه که جشنواره‌ای مختص زنان فیلمساز بود، بسیاری از مخاطبان با آن ارتباط برقرار کردند و به طور کلی نسبت به تفاوت این فیلم با سینمای ایران توجه شد. نگاهی که در این فیلم نسبت به زن و مرد و خانواده ایرانی در کنار مسئله ترس از مرگ ارائه می‌شود، به نظرشان اتفاق خوبی بود و نظرات مثبت بسیاری را بعد از تماشای این فیلم دریافت کردیم.

ونکته آخر

انشالله که از سوی مسئولان مورد حمایت بیشتر قرار بگیریم و مردم عزیز و مخاطبان ما نیز که همیشه در صدر حمایت‌ها قرار داشته‌اند که از آنها سپاسگزاریم و امیدواریم که این حمایت‌ها از سوی مسئولان و مخاطبان تداوم یابد تا سینمای مستقل، دغدغه‌مند و جریان‌ساز هم بتواند زنده بماند.

سامان صفاری بازیگر:

فیلم قطع فوری تلنگری به همه ماست

سامان صفاری بازیگر نقش میثم در فیلم «قطع فوری» درباره حضورش در این فیلم توضیحاتی را ارائه کرده است.

در باره نقش تان در فیلم قطع فوری بگویید که چه ویژگی‌هایی داشت و چه چالش‌هایی را برای ایفای آن داشتید؟

داستان این فیلم درباره چالش‌ها و درگیری‌های زندگی مدرن امروز برای یک زوج جوان است و من نقش کارکتری به نام میثم کندی را بازی کردم که در شرایط سختی قرار دارد و در حال جدا شدن و طلاق است. بازی در این فیلم را به این دلیل پذیرفتم که فیلمنامه جدیدی بود و اتفاقات جدیدی در آن شکل می‌گرفت.

همچنین لوکیشن این سریال نیز در منطقه اکباتان واقع شده بود که برای من به این دلیل که سال‌ها در این منطقه زندگی کرده بودم و خاطرات بسیاری را در من زنده می‌کرد، بسیار جذاب بود.

البته زمانی فیلم ساخته شد که ما درگیر کرونا بودیم و بازیگران شرایط بسیار سختی داشتند از طرفی ترس از درگیر شدن با کرونا وجود داشت و از طرفی هم بازیگران نمی‌توانستند از ماسک استفاده کنند و نسبت به دیگر عوامل بیشتر در معرض خطر بودند اما به هر حال این ضرورت کار سینماست.

فیلمنامه را که خواندید به نظر تان چگونه بود از نظر انتخاب سوژه، پرداخت شخصیت‌ها و بیانیه‌ای که به آن می‌پردازد؟

این فیلم نگاه جذاب و جدیدی به مقوله مرگ و زندگی دارد و بر این نکته تأکید دارد که مادر زندگی خیلی وقت‌ها درگیر چیزهایی می‌شویم که واقعا مهم نیستند. در راستای داستان این فیلم که نگاه متفاوتی به مرگ دارد، ما یک رخداد واقعی بسیاری دردناک را هم تجربه کردیم و خیلی ناگهانی علی انصاریان یکی از بازیگران این فیلم را یک هفته بعد از پایان فیلمبرداری بر اثر کرونا از دست دادیم. این آخرین نقش آفرینی انصاریان در سینما و به نظر من جذاب‌ترین نقش او بود.

در روزگاری زندگی می‌کنیم که ممکن است دوستی یک استوری در اینستاگرام منتشر کند و صبح فردا دیگر در این دنیا نباشد در حالی که استوری او هنوز در فضای مجازی جدید است و به مدت پانزده ساعت دیگر در دسترس است و این اتفاقات نشان می‌دهد که ما خیلی چیزهای جزئی اما مهم زندگی را فراموش کرده‌ایم. بنابراین نباید خیلی چیزها را جدی بگیریم و بایستی از کوچکترین لحظات زندگی خودمان لذت ببریم یعنی همین که هر روز صبح از خواب بیدار می‌شویم و فرصت دیدن عزیزانمان را داریم باید شاکر باشیم.

به نظر من فیلم «قطع فوری» تلنگری به همه ما و مخاطبان است تا نگاهمان را به زندگی و مرگ تغییر بدهیم.

این فیلم نگاهی داشت به مقوله مرگ و زندگی در لحظه. نگاه شما به مقوله مرگ چگونه است و از دست دادن علی انصاریان بعد از پایان فیلمبرداری این فیلم باعث چه تغییری در نگاه شما به زندگی شد؟

روح علی انصاریان عزیز شاد! من امیدوارم که پرونده پزشکی او هر چه سریع‌تر به نتیجه مشخص برسد و اگر قصوری صورت گرفته است، در حد امکان جبران شود هر چند که رفتن علی در هر صورت جبران ناپذیر است.

انصاریان عزیز در این فیلم دیالوگی دارد که هر بار آن را می‌شنوم منقلب می‌شوم. در یکی از سکانس‌ها که در حقیقت آخرین دیالوگ او محسوب می‌شود، علی می‌گوید: «انشاءالله همین جمع بهشت!» بازی علی انصاریان در این فیلم یکی از متفاوت‌ترین نقش آفرینی‌های اوست به طوری که هر بیننده‌ای به راحتی با او ارتباط برقرار می‌کند.

باز خور‌ها چگونه بود؟

با وجود آن که سلاطین مخاطبان در سینما متفاوت است و هر مخاطبی ممکن است فیلمی را دوست داشته یا نداشته باشد، اما با این حال من تاکنون بازخوردهای مثبتی را نسبت به این فیلم دریافت کرده‌ام.

این فیلم پرکارتر است و هر مخاطبی می‌تواند با یکی از این کارکترها همذات‌پنداری کرده و ارتباط خوبی با آنها برقرار کند. هر چند هر فیلمی نواقص خودش را هم ممکن است داشته باشد اما در مجموع من بازخوردهای خوبی را از مخاطبان و منتقدان دریافت کردم. از طرف دیگر این فیلم برخلاف بسیاری از فیلم‌های دیگر به صورت مستقل و در مدت زمان کوتاه به نتیجه رسیده است اما موفق شد به جشنواره‌های معتبر خارجی راه پیدا کند و بازخورد خوبی را از مخاطبان خارجی بگیرد.